

گزارش

پیامدهای ژئوپلیتیک سقوط مادر و برای ایران

محبعلی: در استراتژی جدید آمریکا، ایران به عنوان یک در در سرامنتی تعریف شده است

تحولات ۴۸ ساعت گذشته در ونزوئلا، این کشور را به کانون توجه‌ها و تنش‌های ژئوپلیتیک کشانده است و موجی از ابهام و بلاتکلیفی را به بازارهای جهانی و محافل سیاسی تزریق کرده است. اکوایران نوشت؛ این رخدادها نه تنها افکار عمومی و تصمیم‌گیرندگان بسیاری از کشورها را درگیر کرده، بلکه ضرورت بازتعریف توازن نیروها و وضعیت موجود را بیش از پیش برجسته ساخته است. در این میان، ایران و رقبای منطقه‌ای نیز با دقت در حال رصد صحنه تحولات هستند؛ چراکه ونزوئلا در سال‌های اخیر به یکی از متحدان نزدیک تهران بدل شده و هرگونه تغییر در ساخت قدرت این کشور، صرفاً یک تحول داخلی تلقی نمی‌شود.

چنان‌که یورونیوز نیز گزارش داده، سقوط مادر و می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای ونزوئلا داشته باشد و برای ایران اهمیتی مضاعف پیدا کند. تهران بر محکوم‌کردن آنچه «تجاوز نظامی آمریکا» خوانده، بر ضرورت پاسخ‌گو کردن طراحان و عاملان این اقدام تأکید کرده است. با این حال، این تحولات در داخل ایران دو پرسش اساسی را پیش کشیده است: نخست آنکه واشنگتن چه راهبردی را در قبال کاراکاس دنبال می‌کند و دوم اینکه ایران چه مسیری را باید در برابر تحولات پیش‌رو برگزیند؟

اهمیت تحولات ونزوئلا

مدیرکل پیشین خاورمیانه وزارت خارجه با اشاره به سابقه روابط سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی تهران و کاراکاس، اظهار داشت: ایران از طریق ونزوئلا نفوذی در آمریکای لاتین به دست آورده بود؛ اما با تغییر شرایط و بازگشت سیاست‌های سخت‌گیرانه آمریکا، تداوم این حضور با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد. قاسم محبعلی گفت: دولت ترامپ با اعلام بازگشت به دکترین مونرو، آمریکای لاتین را بار دیگر به عنوان «حیاط خلوت» ایالات متحده تعریف کرده است؛ رویکردی که به معنای عدم تحمل حضور بازیگران متخاصم یا رقیب آمریکا در این منطقه است. هرچند این سیاست از منظر حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد محل ایراد است، اما آمریکان را بخشی از حوزه امنیت ملی خود می‌داند و ترامپ نیز عملاً این نگاه را به وضعیت قرن نوزدهمی بازگردانده است.

وی افزود: در چنین شرایطی، حضور ایران در ونزوئلا – به‌ویژه در حوزه‌های نفتی، نظامی و امنیتی – با مخالفت مستقیم آمریکا مواجه خواهد شد و عملاً امکان ادامه آن وجود نخواهد داشت. این کارشناس مسائل بین‌الملل با طرح این پرسش که سرمایه‌گذاری‌های پیشین ایران در ونزوئلا تا چه اندازه سودآور بوده، تأکید کرد: زمانی که آمریکا بر این سیاست فشاری کرده و از قدرت نظامی خود برای پیشبرد آن استفاده می‌کند، حضور کشورهایی مانند ایران، چین و روسیه در آمریکای لاتین بدون موافقت واشنگتن عملاً غیرممکن است. محبعلی در ادامه به این تحلیل اشاره کرد که یکی از اهداف آمریکای تشدید فشار بر ونزوئلا، جلوگیری از افزایش توان چین است؛ چراکه کاراکاس نفت ارزان‌قیمتی در اختیار پکن قرار می‌داد. به گفته او، اگرچه آمریکا امروز خود بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده نفت جهان است و نیازی به مستعین به واردات انرژی ندارد، اما یکی از سیاست‌های راهبردی واشنگتن، مدیریت بازار جهانی انرژی است. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل بیان کرد: از این منظر، آمریکا تلاش می‌کند هر منبع مهم انرژی در جهان تحت کنترل و اشراف این کشور باشد و اجازه ندهد رقبا یا مخالفانش بر این منابع مسلط شوند؛ سیاستی که ریشه در دوران جنگ سرد دارد و هم در ونزوئلا، هم در خاورمیانه و هم در اسناد امنیت ملی دولت ترامپ به روشنی دیده می‌شود.

وی ادامه داد: همین نگاه در مورد خلیج فارس نیز وجود دارد؛ جایی که آمریکا هم نسبت به حوزه‌های نفتی و هم نسبت به ابراه‌های بین‌المللی، به‌ویژه تنگه هرمز و امنیت کشتیرانی در خلیج فارس، حساسیت ویژه‌ای دارد. هدف این سیاست آن است که کشورهایی مانند چین، هند، کشور عمده انرژی هستند، به نوعی به آمریکا وابسته شوند و نتوانند به‌طور مستقل بر منابع انرژی تسلط پیدا کنند. محبعلی اظهار کرد: ترامپ صراحتاً عنوان کرد که چین نباید نگران تأمین نفت خود باشد، زیرا آمریکا این کار را انجام خواهد داد؛ به این معنا که واشنگتن می‌خواهد تأمین انرژی چین را در اختیار بگیرد، نه اینکه پکن خودش مستقیماً سرمایه‌گذاری کند. وی تأکید کرد که موفقیت یا هزینه بر بودن این سیاست و پیامدهای احتمالی آن برای خود آمریکا، بحثی جداگانه است اما این رویکرد در مناطق دیگر مانند آسیا، اقیانوس هند و خلیج فارس نیز دنبال می‌شود.

در در سرامنتی

محبعلی در این خصوص که چنین نگاهی می‌تواند به فشارهای گسترده‌تر علیه ایران منجر شود، اذعان کرد: نخست اینکه اگر نفت ونزوئلا بدون تحریم و با سرعت بیشتری وارد بازار شود، قیمت جهانی نفت کاهش خواهد یافت و در چنین شرایطی، حتی با وجود تحریم‌ها، فرصت‌های فروش نفت ایران نیز محدودتر می‌شود و دستاورد اقتصادی چندانی برای تهران باقی نمی‌ماند. نکته دوم آن است که در استراتژی جدید آمریکا، ایران به عنوان یک در در سرامنتی تعریف شده است. به گفته این تحلیلگر، طرح آمریکا برای امنیت خاورمیانه بر سپردن مدیریت امنیت منطقه به متحدانش، تحت اشراف واشنگتن، استوار است؛ طرحی که به‌نظر می‌رسد مرکزیت آن در اسرائیل باشد و کشورهایی مانند مصر، عربستان و ترکیه نیز در کنار اسرائیل، به‌ویژه با توجه به نقششان در تحولات غزه، چهار بازیگر اصلی مدیریت امنیت خاورمیانه در نگاه دولت ترامپ خواهند بود. در این چارچوب، حل و فصل «مسئله ایران»، چه از مسیر دیپلماتیک و چه از راه‌های دیگر پیش شرط موفقیت این طرح تلقی می‌شود.

مجید ابهری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نباید مطالبات مردم به

معاملات سیاسی

گره بخورد



اعتراضات نیازمند کنشگری عقلانی است

نباید مسائل اجتماعی مانند اعتراضات را ساده انگاری کرد



می‌شوند و نوعی انتظار متغلا نه شکل می‌گیرد. انتظاری که در نهایت به سرخوردگی جمعی می‌انجامد. در دوره‌هایی که جامعه با فشارهای اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی یا مطالبات انباشته مواجه می‌شود بخشی از کنشگران و حتی افکار عمومی ممکن است به این نتیجه برسند که حمایت قدرت‌های خارجی می‌تواند به تسریع تغییرات یا تقویت مطالبات مردم کمک کند. این تصور اگرچه در شرایط احساسی و بحران زده قابل فهم است اما از منظر آسیب شناسی اجتماعی تجربه تاریخی و منطق تحولات اجتماعی، برداشتی نادرست، ساده‌انگارانه و پرهزینه به شمار می‌رود». در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آرمان ملی – احسان انصاری: فضای اعتراضی به وضع غریغ معیشتی هنوز آرام نشده است. این در حالی است که کنشگری نخبگان و رسانه‌های گروهی در این مسأله از بسیاری جهات حائز اهمیت است و می‌تواند در تحقق مطالبات واقعی مردم موثر باشد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ریشه‌ها و پیامدهای اتفاقات اخیر با دکتر مجید ابهری آسیب‌شناس اجتماعی گفت‌وگو کرده است. ابهری در این زمینه معتقد است: «اصلاحات اجتماعی نیازمند گفت‌وگوی ملی، شکل‌گیری نهاد‌های مدنی، شفاف‌سازی مطالبات، برنامه‌محوری و هدایت عقلانی کنش‌هاست. وقتی نگاه جامعه به بیرون معطوف شود، این مسیرهای دشوار اما ضروری نادیده گرفته

ارزایی شما از اعتراضات اخیر در کشور چیست؟ به نظر شما دلیل این اعتراضات چیست و برای عبور از این وضعیت چه باید کرد؟

کنش‌های اجتماعی به ویژه خیزش‌های خیابانی پدیده‌هایی چندوجهی و پیچیده‌اند. این کنش‌ها ریشه در ساختارهای اقتصادی، مناسبات اجتماعی، مطالبات هویتی، تجربه‌های زیسته و احساسات جمعی دارند. چنین حرکت‌هایی تنها در صورتی می‌توانند به اصلاح پایدار بینجامند که درون‌زا، مستقل و برآمده از عقلا نیت اجتماعی باقی بمانند. هر زمان که این کنش‌ها به حمایت یا مداخله بیرونی گره بخورند ماهیت آنها دستخوش تغییر می‌شود و از یک مطالبه اجتماعی به ابزاری در معادلات سیاسی خارجی تبدیل می‌گردند. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی هیچ قدرت خارجی بدون محاسبه منافع خود وارد حمایت از تحولات داخلی کشور دیگر نمی‌شود. آنچه در ادبیات رسمی برخی دولت‌ها حمایت از مردم نامیده می‌شود در واقع بخشی از راهبردهای فشار، چانه‌زنی یا رقابت سیاسی در سطح بین‌الملل است. به همین دلیل این نوع حمایت‌ها معمولاً رسانه‌ای، گزینشی و کوتاه‌مدت هستند و در لحظات حساس یا به سکوت می‌انجامند یا جای خود را به معامله‌های سیاسی می‌دهند. تجربه‌های گذشته نشان داد که مواضع برخی دولت‌ها و چهره‌های سیاسی خارجی بیش از آنکه کمکی عملی به مردم باشد مصرف تبلیغاتی داشت و دستاورد مشخصی برای جامعه ایجاد نکرده است.

دامنه این اعتراضات به چه میزان خواهد بود؟

باید میان هدایت کنش‌های اجتماعی و سوءاستفاده از آنها تفاوت قائل شد. هدایت عقلانی کنش‌ها به معنای سرکوب یا نادیده گرفتن مطالبات نیست بلکه به معنای ترجمه مطالبات به زبان قابل پیگیری، کاهش هزینه‌های انسانی و اجتماعی و حرکت در چارچوب‌های قانونی و نهادی است. این هدایت تنها زمانی می‌تواند به مردم کمک کند که از درون جامعه و توسط نخبگان فکری، دانشگاهیان، کنشگران مدنی مسئول و سازوکارهای عقلانی شکل بگیرد. ورود بازیگران خارجی به این فرآیند اغلب این هدایت را مختل و مسیر حرکت را نامشخص می‌کند. نکته مهم دیگر ساده‌سازی مسائل پیچیده اجتماعی است. خیزش‌های مردمی نه یک پروژه کوتاه‌مدت‌اند و نه با نسخه‌های آماده خارجی حل می‌شوند. هدایت عقلانی، گفت‌وگو، اصلاحات تدریجی و سازمان‌یافتگی مدنی ابزارهایی هستند که می‌توانند به مردم کمک کنند مسیر مطالبات خود را روشن‌تر و مؤثرتر طی کنند. در مقابل انتظار مداخله یا حمایت خارجی جامعه را از سرمایه‌گذاری بر توان داخلی و اصلاح سازوکارهای بومی بازمی‌دارد. از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی خیزش‌ها و اعتراض‌های خیابانی پدیده‌هایی پیچیده، چندلایه و برخاسته از بسترهای خاص فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌اند. این حرکت‌ها زمانی می‌توانند به اصلاح پایدار منجر شوند که درون‌زا، مستقل و متکی بر عقلا نیت جمعی باقی بمانند. هرگاه این کنش‌ها به حمایت بیرونی گره بخورند به تدریج از مطالبات واقعی مردم فاصله می‌گیرند و به میدان رقابت‌های سیاسی قدرت‌های خارجی بدل می‌شوند.

شما فکر می‌کنید این اعتراضات با مداخله قدرت‌های خارجی تشدید خواهد شد و یا دستاویزی برای سوءاستفاده خارجی خواهد شد؟

واقعیت این است که در تاریخ معاصر جوامع مختلف همواره این پرسش مطرح بوده است که آیا حمایت قدرت‌های خارجی می‌تواند به پیشبرد مطالبات اجتماعی مردم کمک کند یا نه. بررسی‌های اجتماعی و تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که دلگرم بودن به حمایت بیگانه نه تنها تضمین‌کننده موفقیت کنش‌های مردمی نیست بلکه در بسیاری موارد به انحراف مسیر و تضعیف مشروعیت

بررسی‌های اجتماعی و تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که دلگرم بودن به حمایت بیگانه نه تنها تضمین‌کننده موفقیت کنش‌های مردمی نیست بلکه در بسیاری موارد به انحراف مسیر و تضعیف مشروعیت آنها انجامیده است

آنها انجامیده است. قدرت‌های خارجی حتی زمانی که از حمایت از مردم سخن می‌گویند منافع ملی خود را مینا قرار می‌دهند نه خواست‌های واقعی جامعه مقصد. نمونه‌های متعددی در منطقه و جهان وجود دارد که نشان می‌دهد حمایت لفظی یا رسانه‌ای بیگانگان در بزنگاه‌های حساس یا به سکوت می‌انجامد یا به معامله‌های سیاسی ختم می‌شود. تجربه‌های گذشته نیز به روشنی نشان داد که اظهارات حمایتی چهره‌هایی چون بنیامین نتانیاهو یا مواضع رسمی ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان آنها بیش از آنکه کمکی عملی به مردم باشد بار سیاسی و رسانه‌ای داشته است. از نگاه جامعه‌شناختی چنین حمایت‌هایی حتی می‌توانند به کاهش همدلی داخلی منجر شوند. وقتی یک مطالبه مردمی با نام و نشان بازیگران خارجی پیوند می‌خورد بخش‌هایی از جامعه که نسبت به مداخلات بیرونی حساسیت تاریخی دارند از آن فاصله می‌گیرند. در این حالت شکاف اجتماعی عمیق‌تر می‌شود و امکان شکل‌گیری اجماع ملی کاهش می‌یابد. به بیان دیگر حمایت بیگانه گاه به جای تقویت حرکت اجتماعی آن را تضعیف می‌کند. از منظر آسیب‌شناسی دلخوشی به دشمنان بیرونی نوعی خطای ادراکی جمعی است. دشمن حتی اگر لیخند بزند یا شعار حمایت‌سر دهد همچنان دشمن است و در لحظه تصمیم‌گیری اولویت خود را انتخاب می‌کند. تاریخ روابط بین‌الملل سرشار از مثال‌هایی است که نشان می‌دهد اتکال بیش از حد به بیرون هزینه‌های سنگینی برای جوامع داشته است.

در چنین شرایطی نهاد‌های تصمیم‌گیر جامعه چگونه می‌توانند به صورت مسالمت‌آمیز مطالبات معترضان را مرتفع کنند؟

کنش‌های اجتماعی زمانی می‌توانند به ثمر بینشند که استقلال خود را حفظ کنند، از هیجان زدگی بپرهیزند و بر گفت‌وگو و عقلانیت و سرمایه اجتماعی تکیه داشته باشند. حمایت بیگانه نه راه حل است و نه تضمین و بلکه اغلب مسیری انحرافی است که مطالبات مردم را به حاشیه می‌راند، رشد و اصلاح پایدار تنها از دل اعتماد به توان جامعه و پرهیز از دل بستن به دشمنان بیرونی ممکن خواهد شد. دربره‌های خاص اجتماعی که نارضایتی‌ها افزایش می‌یابد و بخشی از جامعه به کنش‌های خیابانی یا اعتراض‌های مدنی روی می‌آورد همواره

از منظر آسیب‌شناسی دلخوشی به دشمنان بیرونی نوعی خطای ادراکی جمعی است. دشمن حتی اگر لیخند بزند یا شعار حمایت‌سر دهد همچنان دشمن است و در لحظه تصمیم‌گیری اولویت خود را انتخاب می‌کند

احمد بخشایش اردستانی:

نوری قزلجه توان مدیریت وزارت جهاد کشاورزی را ندارد

دیگری منتقل می‌شوند. رئیس دولت تمایل دارد با همین تیم به کار ادامه دهد، اما مجلس، به‌ویژه در پاسخ به مطالبات مردم، موضوع استیضاح را دنبال می‌کند. با این حال، شخص آقای قالیباف اجازه نمی‌دهد استیضاح‌ها به صحن علنی مجلس برسد. احتمالاً شرایط اجتماعی و حساسیت‌های موجود باعث چنین ملاحظاتی شده است. با این وجود، بهتر بود اجازه داده می‌شد، دست‌کم یکی – دو نفر از وزرا

این است که عملکرد ضعیف تیم اقتصادی، تالطم‌های جدی در بازار ایجاد کرده و موج‌گرانی را د و چندان ساخته است. مجلس هم با علم به نارضایتی‌های عمومی سعی می‌کند جانب که تیم اقتصادی دولت بیشترین آسیب را به خود دولت و بلکه کشور وارد کرده است. نتیجه این عملکرد، نارضایتی عمومی و بروز اعتراضات مردمی بوده است. این اعتراضات ممکن است در یک بازه زمانی کنترل یافروکش کند، اما واقعیت

استیضاح شوند یا مجدداً رأی اعتماد بگیرند تا این اقدام تلنگر به دولت باشد و اعتماد عمومی را بازسازی کند. این نماینده مجلس همچنین بیان کرد: مشخصاً آقای نوری قزلجه فردی سالم است اما توان مدیریت وزارت مهم جهاد کشاورزی را ندارد. این وزارتخانه جای آزمون و خطا نیست. توان مدیریتی آقای نوری قزلجه در حدی نیست که پاسخگوی پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های این وزارتخانه باشد.

یادداشت

تغییر پارادایم اقتصادی



علی جوانمردی

تحلیلگر مسائل اقتصادی

تغییر پارادایم اقتصادی یک بررسی اجمالی در سراسر جهان توسعه یافته، جدایی مداوم و رو به رشدی بین عملکرد اقتصادهای مختلف جهان و تجربیات زیسته بسیاری از شهروندان است. اقتصادها رشد کرده‌اند، اما در بسیاری از کشورها تعداد زیادی از خانواده‌ها در این رشد سهیم نبوده‌اند، بلکه رکود درآمد و کاهش امنیت اقتصادی را تجربه کرده‌اند. به همین ترتیب، بهره‌وری افزایش یافته است، اما بیشتر سودها به جای کارگران، به صاحبان سرمایه رسیده است. در عین حال، در تعدادی از کشورها، تحرک اجتماعی و همچنین برابری بین نسلی کاهش یافته است، نسل بعدی احتمالاً اولین نسل در دوران مدرن خواهد بود که درآمد کمتری نسبت به والدین خود خواهد داشت. این جدایی به افزایش سیاست‌های پوپولیستی کمک کرده و سوالات عمیقی را در مورد اینکه آیا مدل فعلی سرمایه‌داری می‌تواند به وعده‌های خود به شهروندانش عمل کند؟ یا نگاهی به آینده، اختلالات ناشی از تغییرات تکنولوژیکی و تهدید وجودی تغییرات اقلیمی، سوالات عمیق‌تری را در مورد اینکه آیا سرمایه‌داری می‌تواند به شکل فعلی خود زنده بماند یا اینکه به شکل جدیدی از سازمان اجتماعی اقتصادی نیاز است، را مطرح می‌کند. طرح تغییر پارادایم اقتصادی با تاللفیق آثار موجود در مجموعه تحقیقاتی آشکوفور، انجام تحقیقات اصیل و تعامل با شبکه‌ای جهانی از محققان و متخصصان، در حال بررسی این سوالات است. این طرح با رویکردی میان‌رشته‌ای، ایده‌هایی را از نظریه سیستم‌های پیچیده، علوم رفتاری، نظریه‌های تکامل فرهنگی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ، فلسفه و بسیاری از زمینه‌های دیگر استخراج می‌کند. خروجی‌های این پروژه شامل انتشارات، کارگاه‌ها، ارائه‌های کنفرانس، مطالب آموزشی و کتاب‌های علمی و عمومی است. زمین در حال حاضر با دورانی از بحران زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی روبه‌رو است. این امر مستلزم پاسخی سریع و مؤثر است تا حداقل پیامدهای منفی مرتبط با عدم تعادل‌های زیست‌محیطی کاهش یابد یا از بین برود. در این کار، ابتدا توضیحی در مورد چالش‌های زیست‌محیطی که با آن مواجه هستیم و رابطه آن با مدل اقتصادی فعلی ارائه می‌دهم. دوم، نیاز به گذار به یک مدل اقتصادی پایدار مبتنی بر راه عمومی. سوم، تغییر به سمت یک الگوی پایدار. تغییر پارادایم اقتصادی: به سوی یک مدل کسب و کار پایدار اتخاذ اصول اقتصاد چرخشی و احیاکننده و پذیرش مسئولیت زیست‌محیطی، از ویژگی‌های بارز شرکت‌هایی است که به توسعه پایدارتر کمک می‌کنند. امروز، بشریت با چالش بزرگی روبه‌رو است زیرا تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست بر کل سیاره تأثیر می‌گذارد. ظهور روزافزون بیماری‌های همه‌گیر قابل انتقال توسط میکروارگانیسم‌ها دقیقاً از عدم تعادل زیست‌محیطی ناشی از توسعه اقتصادی ناپایدار ناشی می‌شود. ترافیک، انبوه‌سازی شهرها، تهاجم به محیط‌هایی که عوامل عفونی در آن زندگی هست یا خود تغییرات اقلیمی، گسترش عوامل عفونی رانتسپیل می‌کند. پاسخ به این بحران زیست‌محیطی باید جهانی باشد، که به معنای تعهد شرکت‌ها برای تبدیل شدن به بخشی از راه حل و نه بخشی از مشکل خواهد بود. عدم حساسیت بسیاری از شرکت‌ها و دولت‌ها و وسواس در کسب سود، منجر به هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی بسیار بالایی شده است. در واقع، شواهد زیادی از عدم تعادل طبیعی ایجاد شده توسط انسان‌ها با این مدل پیشرفت و پیامدهای منفی آن بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد. با توجه به تاخیر برای فرایند به مشکلات زیست‌محیطی، تغییر به سمت یک مدل اقتصادی عادلانه‌تر، اخلاقی‌تر و پایدارتر ضروری به نظر می‌رسد، همانطور که بسیاری از اقتصاددانان، فیلسوفان و جامعه‌شناسان سازمان‌آر بوده‌اند. مدلی از توسعه که به حفاظت از منافع اجتماعی و زیست‌محیطی توجه دارد و نه تنها به سودآوری و رشد اقتصادی. علاوه بر این، سیستم فعلی تولید و مصرف، چه از نظر اجتماعی و چه از نظر زیست‌محیطی، به وضوح ناپایدار است. این مدل نامتعادل مبتنی بر کاهش هزینه‌ها از طریق جابجایی زنجیره‌های تولید و ارائه خدمات به کشورهای در حال توسعه است، همچنین باید توجه داشت که مدل اقتصادی بازار آزاد، توسعه اقتصادی بی‌سابقه‌ای را امکان‌پذیر کرده، امید به زندگی را به میزان قابل توجهی افزایش داده و منجر به سطح نامتوازن، شده است. با این حال، این بهبود نیز به قیمت ایجاد کسری‌های عظیم با کوهی زمین، به‌ویژه با کشورهای در حال توسعه که از نظر مواد اولیه غنی هستند، حاصل شده است، مدلی جدید مبتنی بر هویشاری و انصاف داوطلبانه از هزینه‌های اضافی ضروری است. از این رو، کاهش ظرفیت خرید ما در مجبور می‌کند که چیزهای کمتری داشته باشیم و خریدهای خود را به سمت محصولات با دوام‌تر هدایت کنیم. در موارد دیگر، برای کسانی که خوش شانس‌تر هستند، می‌توان تغییر به سمت الگوهای مصرف پایدارتر را در نتیجه کار مشاهده کرد.